

منوچهر اشرفی الکتابی

خوانسار - خوانسار - یاخانسار ؟

استان اصفهان ، مرکز اصفهان و دارای ۱۵ فرمانداری به نامهای : اصفهان ، خمینی شهر ، قمشه ، نجف آباد ، گلپایگان ، خوانسار ، فریدن ، فریدون شهر ، لنجان ، فلاورجان ، کاشان ، نائین ، اردستان ، نطنز و سمیرم می باشد .

شهرستان گلپایگان ، در شمال غربی اصفهان در ۵۰ درجه و ۱۸ دقیقه طول شرقی و ۳۳ درجه و ۲۴ دقیقه عرض شمالی بفاصله ۳۶۰ کیلومتری از تهران و ۲۰۰ کیلومتری از اصفهان ، مرکز استان واقع شده است و مرکز آن شهرستان ، شهر گلپایگان است .

خوانسار ، شهرستان حاصلخیز نسبتاً بزرگی است که در جنوب شهرستان گلپایگان و در ۳ کیلومتری آن در دره باریکی در دامنه کوههای میل (Mi1) و گلستان کوه از رشته جبال زاگرس قرار دارد که سابقاً تابع گلپایگان بوده است و اینک شهرستان شده است .

وسعت حوزه آبریز دره خوانسار تا تنگ وانشان (Tang-e-Vāneshān) که دره به دشت گلپایگان وصل می شود و حدود ۲۶۶ کیلومتر مربع است و حوزه آبریز آن جزو حوزه آبریز رودخانه های مرکزی ایران است .

وسعت دشت و دره خوانسار حدود ۲۶/۵ کیلومتر مربع است . آبادی های شهرستان خوانسار بسیار است از جمله وانشان (Vaneshān) ، تیدجان (Tidjān) ، قودجان (ghudjān) ،

باباسلطان (Bābā Soltān) ، بیدهند (Bid hand) ، هرستانه (Horostāne) ، سنگشیر (Sang Shir) ، سونقان (Suneghān) ، ارسور (Arasur) ، چهارباغ (Chāhār Bāgh) ، چشمه آخوند (Cheshmeh-Ākhond) ، و روستاهای دیگر

آب و هوای خوانسار، بخاطر ارتفاع زیاد از سطح دریا دارای تابستان‌های معتدل و زمستان‌های تقریباً " سرد است . دارای آب و هوای کوهستانی بوده و تابستان‌های خنکی دارد ، بهمین جهت شهر خوانسار را می‌توان یک شهریلاقی دانست که بیشترتابستانها ، مردم از شهرهای دیگر برای استفاده از آب و هوای مناسب به آنجا می‌آیند .

حداقل درجه حرارت آن طی چندسال اخیر به $۲۲/۵$ - درجه در بهمن‌ماه ۱۳۵۰ رسیده است . حداکثر درجه حرارت آن از ۳۵ درجه تجاوز نکرده است .

بلندترین کوهها ، کوههای قبله و گلستان است ، و خوانسار از شمال و جنوب و غرب به کوههای مرتفع محدود است .

سرچشمه اصلی رود لعل‌بار (Laale Bār) یا قم‌رود (Ghomrud) به نام قبله‌رود (Gheble-ruđ) از وسط خوانسار می‌گذرد . شغل اهالی خوانسار بیشتر زراعت و پیشه‌وری است .

محصولات عمده آن : گندم ، جو ، سیب‌زمینی ، تنباکو ، انواع میوه ، عسل ، گزانگبین ، پشم و در روستاهای آن قالی‌بافی و همچنین کارهای دستی گوناگون رواج دارد .

منابع آب کشاورزی : بیشتر از قنات ، چشمه ، رودخانه ، و در درجه آخر از چاه می‌باشد .

میزان بارندگی در شهر خوانسار نسبتاً " خوب بوده و متوسط مقدار بارندگی حدود ۳۲۴ میلیمتر محاسبه گردیده است و البته این مقدار باران در سالهای مختلف فرق می‌کند .

در دره خوانسار چشمه فراوان است ، این چشمه‌ها دو دسته هستند : چشمه‌های آهکی و چشمه‌های آبرفتی .

چشمه‌های آهکی :

این چشمه‌ها بیشتر از میان طبقات آهکی کرتاسه میانی بیرون می‌آیند و بزرگترین آنها چشمه سرچشمه در جنوب دره خوانسار است . در این منطقه چند چشمه دیگر نیز وجود دارد که برای آبیاری زمین‌های کشاورزی مورد استفاده می‌شود .

چشمه‌های آب‌رفتی :

این نوع چشمه‌ها بیشتر در پای‌بستر رودخانه خوانسار قرار دارند . و تا بحال بیش از ۴۵۰ چشمه در دره خوانسار دیده شده است .

آثار قدیمی آن :

دو مقبره یکی باباترک (Bābā - Tork) و دیگری باباپیر (Bābā - Pir) می‌باشد و مسجد جامع (۱۴۷ هـ . ق) یکی از قدیمی‌ترین مساجد خوانسار است .

مردم خوانسار به‌زیرکی و داشتن سواد معروف هستند و مردمی فرهنگی ، دوستدار دانش و آشناترین گروه شهرستانی با کار کتاب و کتابفروشی و صنعت چاپ به‌شمار آمده‌اند .

طرائف خوانسار :

نام خوانسار با بعضی از مشهورات همراه شده است :
میرزاهای خوانسار ، همان خوشنویسان و کاتبان نسخه‌های کتب چاپ سنگی هستند که در آغاز رواج چاپ سنگی بیش از هر ناحیه دیگر به‌طبع و نشر کتاب خدمت کرده‌اند و پس از اینکه وسائل نوتر و پیشرفته‌تر و آداب جدید تصحیح و آمادگی و چاپ پیدا شده نام چاپ سنگی خوانسار مانند کاری ابتدائی و نامرغوب نسبت به سلیقه و امکانات بعدی در زبان طنز باقی مانده است^۱

و برای میزاهای خوانسار هم از قدیم لطیفه‌هایی ساخته بودند .

حرس خوانسار :

گونه‌ای از این حیوان خوش‌حرکات بوده است که در آب و هوای سردسیری دشت و جنگل حوالی خوانسار قدیم با جثه‌ای بزرگ و تنی مقاوم

و رفتاری آدم وار پرورش می‌یافته و در میان انواع دیگر این جنس مانند خرس قطبی و خرس سفید نام و نشان خاصی داشته و از آن داستان‌هایی ساخته شده ولی در روزگار ما در آن سامان نشانی از این حیوان دیده نمی‌شود.

ملاهای خوانسار، اشاره به علما و دانشمندان سخت متشرع و مقید به آداب اسلامی و دوستدار کتاب و فرهنگ بوده است که به این ویژگی‌ها نامبردار بودند. کتاب الذریعه الی تصانیف الشیعه تألیف گرانقدر شیخ آقا بزرگ تهرانی، نام و نشان و فهرست تألیفات چهل تن از این نامداران را با شهرت خوانساری ضبط کرده است.

گز خوانسار، مشهورترین محصول گیاهی سرزمین خوانسار است که از شیرۀ درخت انگبین‌ساز (گز) به دست می‌آید و ماده اصلی و اساسی شیرینی خوشرنگ و خوش‌خوراک معروفی است که به گز اصفهان شناخته می‌شود. زیرا جمعیت خود خوانسار پیشترها پاسخگوی مصرف این صنعت شیرین نبوده است. درختچه گز از نباتاتی است که بهترین نوع آن تنها در آب و خاک و هوای خوانسار پرورش می‌یابد و بهره آن نصیب اصفهان است و تولید شیرینی گز در اصل بدون ماده گیاهی گز خوانسار امکان نداشته ولی حالیه امکان آن هم خالی از قوت نیست^۱.

زبانی که مردم خوانسار تکلم می‌کنند پارسی میانه و ماد غربی را به یاد می‌آورد. این زبان تا حدی قانع‌کننده از دخل و تصرف زبان بعد از اسلام و واژه‌های عربی برکنار مانده است.

کلمه خوانسار (Khānsār) را به الفاظ گوناگون می‌نویسند و تلفظ می‌کنند از جمله: خونسار (Khunsār)، خوسار (Khusār)، خانسار (Khānsār)، خانیسار (Khānisār) .

عقیده عامیانه‌ای وجود دارد مبنی بر اینکه (خون - سار) "سار" مخفف ساربان یا شتربان است (و خون - سار) جایگاه خون شتربان یا ساریانی است که روزی همراه شتران خود به نواحی خوانسار و جنگلهای آن

۱ - معجم مؤلفی الشیعه، فاضل قاشینی النجفی چاپ وزارت ارشاد اسلامی

آمده گرفتار دزدان و غارتگران شده و سرانجام خون او ریخته شده است .
و به این ترتیب نام آن محل که خون ساریان ریخته شده خوانسار نامگذاری
شده است . که البته این عقیده نادرست است .

برخی دیگر عقیده دارند (خوانسار) مخفف (خون سالار) است .
این عقیده نیز نادرست است زیرا (خون سالار) مفهوم و معنی طباخ ،
سفره چینی ، ناظم مطبخ را دارد و نام گرفتن یک ناحیه از این کلمه وجهی نمی یابد .
جالب است که برهان قاطع در شرح کلمه " خان " این را نیز آورده
است که خان " . . . شان عسل را هم گفته اند ، یعنی جایی که زنبور در آن
خانه کند و عسل بسته شود . " و این تعبیر از آنچه در سطور گذشته گذشت
با نام خانسار متناسب تر می نماید زیرا خانساریکی از مراکز پرورش زنبور عسل
و تولید عسل است و صحراهای گل شقایق و گلزارهای مشهور آن و هوای پاکیزه
و محیط مناسب آن می توانسته است این ناحیه را سرزمین کندوها و خان های
عسل بشناساند و هم اکنون نیز عسل خانسار چنان به خوبی معروف است که
آگاهان به محصول خانساری اصیل آن مجال نمی دهند که به بازار برسد . اما
چون تاکنون کسی دیگر در شرح کلمه " خوانسار به این معنی اشاره نکرده بود
از آن در می گذریم با آنکه اهمیت عسل خوانسار نیز چیزی از شهرت گز
خوانسار و چشمه های خوانسار کم ندارد بهر حال طرز نوشتن و تلفظ صحیح
خوانسار (Khansar) ، خانسار (Khansar) ، یا خانیسار (Khanisar)
می باشد که خانسار نیز مخفف آن است .

خان و خانی (Khāni) ، (Khān) بمفهوم چشمه ، حوض آب
وسار (Sār) که پسوند مکان است و مفهوم زیاد ، فراوان و بسیار را می دهد .
خان و خانی از کلمه خن گرفته شده که در اوستا بمعنی چشمه است و

۱- هر مزد نامه اثر پورد اود - نیز در متن پهلوی Khānik/Khānig/Khāni
بمعنی " چشمه " در بندهشن و وندیداد دو درخت آسوریکا آمده است . - در متن
طبری Khuni " چشمه " (نصاب طبری ۳۳۲) . و در متن فارسی : در الابنیه ،
ص ۲۴۰ سطر ۴ از پائین " خانی " بمعنی " چشمه " است . نیز در ص ۳۰۷
الابنیه : " پس بنمودیم که آب باران بهترین آبهاست . . . چون از خانی
برکشند و آن را به برف سرد کنند . . . " - نیز در راحه الصدور ص ۲۲/۶۰

(دنباله زیرنویس در صفحه بعد)

خانسار (Khānsār) یا خانیسار (Khānisār) بمفهوم چشمه‌سار ، یا محلی که دارای چشمه‌های فراوان است معنی می‌دهد .

ابو عبدالله شهاب‌الدین یاقوت حموی متوفی بسال ۶۲۶ هجری در کتاب معجم البلدان ، خوانسار را خانسار یا خانیسار نام برده است . درباره خانیسار جای گفتن بسیار است اما چون در اینجا موضوع گفتار کلمه خانسار است که گفتیم مفهوم درست آن چشمه‌ساران است از برخی از چشمه‌های خانسار که گرچه کمتر از روزگاران گذشته ، اما هم‌اکنون نیز دایر و جاری است و مایه آبادانی خوانسار است یاد می‌کنیم :

جغرافی‌دانان اسلامی از سده‌های نخستین ، خانسار را با چشمه‌هایش می‌شناخته‌اند و پیش از اینکه لفظ "خانیسار" در نوشته‌ها بیاید این ناحیه را "صد چشمه" می‌نامیدند .

ما اکنون در صد گفتگواز "سی سر" نیستیم ولی "فتوح البلدان بلاذری" در باب سی سر می‌گوید : "و کانت سیسرتدعی سیسر صد خانیه . ای ثلاثون را ساء و مائه عین ، و بهایون کثیره" .

یاقوت حموی نیز در ذیل سیسر همین معنی را تکرار می‌کند که : "کانت تدعی صد خانیه لکثره عیونها و منابعها" .

در تحقیقات جدیدتر نیز لسترنج در "سرزمینهای خلافت شرقی" با استفاده از منابع قدیم ایرانی و عربی می‌گوید : "مجاور شهر سیسر مکانی

(دنباله زیرنویس صفحه قبل)

چاپ لیدن : " صدقه جاریه آن است که پادشاهان مدرسه‌ها سازند و وقفها کنند و مساجد و خانیه‌ها و چشمه‌سارها و کهریزها آورند ، " همچنین " اساس اشتقاق فارسی " ، پاول هرن ترجمه خالقی مطلق ، از ماء خذ خود " گنجینه گنجوی ، ص ۲۵۱ ، این دوبیت را شاهد آورده است :

ز شرم آب آن رخشنده‌خانی به ظلمت رفته آب زندگانی
من آن خانیه‌ام کابم عیان است هر آنچه در دل آید بر زبان است
نیز دکتر معین در حاشیه برهان اشاره می‌کند در لهجه کوردی هم
Khani-Khānik به معنی سرچشمه است و با تلاق جنوب شرقی اصفهان
به نام گاوخانی و گاوخونی از همین نام مشتق است .

است با چشمه‌های فراوان موسوم به صدخانیه و منابع آب ، زیرا چشمه‌های بسیار در آنجا دیده می‌شود " ۱ .

باید گفت که هرچند به احتمال زیاد عربی‌زبانان خانیه را برون ثانیه خوانده باشند بدیهی می‌نماید که در این عبارت " خانیه " بمعنسی چشمه با " ه " ملفوظ فارسی است نه تاء تاء نیت عربی و تلفظ آن برون " خانیک " و ماء خود از همین ریشه در فارسی قدیم است .
و اگر به درستی و تحقیق ، صد چشمه متون قدیم همان خانسار باشد - که صد چشمه و خانیسار دیگری هم نداریم - مقصود از صد چشمه تعداد معین و شمرده شده " صد " نیست بلکه رساننده مفهوم کثرت و فراوانی چشمه‌هاست چنانکه فرضاً " شهر صد دروازه حتما " لازم نیست که درست صدتا دروازه داشته باشد .

کشف قدیمی‌ترین اسناد مکتوب که نام خانیسار یا مخفف آن خانسار یا تحریف شده آن خوانسار را ضبط کرده باشند مستلزم جستجوی فراوان است اما منطقی است که کلمه خانیسار بر ساخته خود بخودی مردم عادی محل بوده باشد نه حاصل یک نامگذاری رسمی جغرافی دانان یا حکومت‌گران و بعد از آنکه مخفف آن خانسار و لحن عامیانه آن " خونسار " در زبانها جاری بوده در اولین نوشته‌ها کسانی به اعتبار آشناتر بودن ذهن با کلمه (خوان) آنرا با واو نوشته باشند و به این صورت متداول شده باشد و گرنه تا آنجا که حدس و احتمال را می‌توان اجازه خود نمائی داد کلمه خوانسار با خانی و خان به معنی چشمه خویشاوند است نه با " خوان " که خالی از وجه می‌نماید . چنانکه ترجمه فارسی لسترنج نیز " خانسار " را بدون واو ثبت کرده و در نزهة القلوب حمدالله مستوفی چاپ اروپا نیز در متن و نسخه بدل خانیسار و خانسار هر دو بدون واو آمده است .

چه خوب است هرگاه مقامات ذیصلاح بعداً " املائی " خانسار " را که هم ساده تر و صحیح تر و هم فارغ از مزاحمت حرف " واو " است رسمیت بدهند .

باری بسیاری از چشمه‌های دیرین سال " خانیسار " که نام " خانسار " از آن گرفته شده همچنان دایر و جاری و مایه آبادانی این خاک باصفا و خوش آب‌وهواست که مشهورترین آنها را یاد می‌کنیم :



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نام و نشان چند چشمه در خوانسار

- Cheshme-Ākhund چشمه آخوند
 نام محله‌ای است که در شمال خوانسار که مقبره‌ی و چشمه‌ی به
 همین نام دارد در این مقبره مردی مدفون است به نام آخوند ملاحیدر .
- Cheshme-Āmirzā-Asdollā چشمه آ میرزا اسدولا
 چشمه‌ای است در محل جوزچه و مقابل مسجد آن .
- Cheshme-Ereshkel چشمه ارشکل
 چشمه‌ای است مابین کوه انژدر Enezhdar و کوه ارشکل
 . Ereshkel
- Cheshme-Otāgh چشمه اطاق
 چشمه‌ای است در خوانسار .
- Cheshme-Pir چشمه پیر
 چشمه‌ای است در سرچشمه خوانسار که از زیر مقبره اباعدنان به
 نام " پیر " بیرون می‌آید .
- Cheshme-Jidā چشمه جیدا
 چشمه‌ای است در محله " شیرک Shirak " مقابل شاهزاده احمد .
- Cheshme-Hajādi چشمه حجاجی
 چشمه‌ای است در نزدیک محله جوزچه .
- Cheshme-Haj Farajollā چشمه حج فرج‌الله
 چشمه‌ای است در بازار پائین نزدیک دوراه .
- Cheshme-Hoseyniyye چشمه حسینیّه
 چشمه‌ای است زیر حسینیّه خوانسار .
- Cheshme-Dinārgun چشمه دینارغون
 چشمه‌ای است نزدیک گردنه یا گردنگاه خوانسار بطرف فریدن .

- Cheshme-Seyd-Abād چشمه سیدآباد
 نام چشمه‌ای است در غرب خوانسار .
- Cheshme-Sileshki چشمه سیلشکی
 چشمه‌ای است در غرب مسجد جمعه خوانسار .
- Cheshme-Sil چشمه سیل
 چشمه‌ای است در کوه سیل (سول : Sul) .
- Cheshme-Shotor-Khun چشمه شترخون
 چشمه‌ای است در سرچشمه خوانسار .
- Cheshme-Ali Khān چشمه علی‌خان
 چشمه‌ای است در محله لبرود خوانسار .
- Cheshme-Gheble چشمه قبله
 چشمه‌ای است در شرق تیزاب که به طرف قبله یا جنوب روان است .
- Cheshme-Kāssun چشمه کاسون
 چشمه‌ای است در سرچشمه خوانسار که آب فراوان دارد .
- Cheshme-Kerke-Khun چشمه کرکه خون
 چشمه‌ای است در سرچشمه خوانسار که آب فراوان دارد .
- Cheshme-Golzard چشمه گل زرد
 نام مزرعه و چشمه‌ای است در دره تیزاب در جنوب شرقی خوانسار .
- Cheshme-Gich چشمه گیج
 چشمه‌ای است در چهارباغ بالا .
- Cheshme-Mahad-Sādegh چشمه محمدصادق
 چشمه‌ای است در محله شیرک Shirak خوانسار .
- Cheshme-Medresa چشمه مدرسه
 چشمه‌ای است در نزدیک " مدرسه طلاب‌ها " یا مدرسه
 مریم بیگم صفوی .
- Cheshme-Mer-zengasht چشمه مرزنگشت
 چشمه‌ای است در سرچشمه خوانسار که آب آن بسیار گوارا است .

Cheshme-Mirtorāb

چشمه میرتراب

چشمه‌ای است در گردنه دایی با گردنگاه خوانسار.

Cheshme-Veng

چشمه ونگ

چشمه‌ای است در دامنه کوه سیل در جنوب کیریزکسده.

Cheshme-Yāghiyā

.Keyriz-Keda

چشمه یاغیا

چشمه‌ای است در نزدیک مزرعه ملا آق‌بابا.

Cheshme-Yushāwn

چشمه یوشاون

نام چشمه‌ای است در خوانسار.

Cheshme-Yahudiyā

چشمه یهودیا

چشمه‌ای است در محله "شیرک" Shirak مقابل شاهزاده احمد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شپښگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انساني